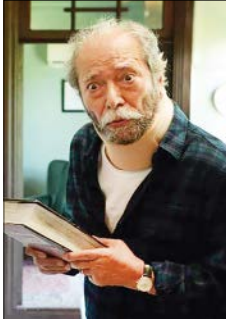


جشنواره فیلم فجر از چشم انداز پاسداشت زبان فارسی

زبان فارسی دربردارنده شاخه‌های فرهنگی، تمدنی و نشاتگانی یک ملت با پیشینه و فرهنگ‌آفرین است و این شالوده تمدنی به جایگاهی فراتر از یک زبان رسیده است. زبان فارسی، زبانی سرشار از دانش، احساس و اندیشه است و در دارزتای قرن‌ها با کوشش هنرمندان، ادیبان و اندیشمندان بی‌شمار، با آرایه‌های متنوع ادبی و هنری آراسته و در جهان نامبردار شده است.این زبان، در عین حال، کارا، ساده و زودآموز است و نیروی ترکیب‌سازی شگرفی دارد و می‌توان آن را به آسانی به دیگران آموخت. چندسالی از پیشنهاد رادیو ایران برای اختصاص جایزه‌ای ویژه به منظور پاسداشت زبان فارسی در جشنواره فیلم فجر می‌گذرد. در این بازه زمانی با آن‌که این پیشنهاد بسیار با استقبال روبه‌رو شده اما با توجه به دشواری‌های پیش رو هنوز سازوکار اجرای آن عملی نشده است.رادیو ایران در این چندسال دست به‌کار شده و با بهره‌گیری از کارشناسان زده ادبی و سینمایی به این مهم اقدام و فیلم‌های برگزیده را از منظر پاسداشت زبان و ادب فارسی معرفی می‌کند.به باور ما پاسداشت زبان فارسی، پاسداشت همبستگی و یکپارچگی ایرانیان است. این پاسداشت، ارج‌گذاری به فرهنگ، هنر و ادب است. از این‌رو توجه به آن اهمیتی ویژه دارد.



سینما از نگاهی جامع هنرهاست و تولید در سینما بر اساس فیلمنامه صورت می‌پذیرد و فیلمنامه به‌تنهایی یک اثر هنری و ادبی است، اما طبعیتا ارزش آن دارای مراتبی است که ضروری است به آن اهمیت داده شود.آثار سینمایی چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر از چشم انداز قوت زبانی و بهره‌گیری از ظرفیت های زبان و ادب فارسی از سوی شورای داوری متشکل از محمد جعفر محمدزاده، آرش شفاعی، بیدا...گودرزی، رحمت امینی، شهاب شهزاد، مصطفی محمودی و عباس نادری بررسی شد و با توجه به این سنج‌ها نتیجه بررسی در بی می‌آید.

- توجه به گستره ایران فرهنگی و همبستگی ایرانیان و زبان فارسی به‌عنوان عامل همبستگی و یکپارچگی ایران
- بهره‌گیری هنرمندانه از ادبیات غنی، اشعار، مثل ها و مثل‌ها، زبانزد‌های ایرانی در نگارش فیلمنامه
- پدید آوردن فضایی ایرانی با بهره‌گیری از ظرایف فرهنگ ایرانی- اسلامی همچون تاریخ، معماری و موسیقی ایرانی
- پرهیز از نادرست‌گویی، غلط‌های ویرایشی و گرته‌برداری‌های نادرست

گروه کارشناسان پس از بررسی آثار سینمایی جشنواره چهل و یکم فیلم فجر نتیجه بررسی‌ها پژوهش و گروه را چنین اعلام می‌کند: در پاره‌ای از فیلم‌های امسال بهره‌گیری از عناصر یاد شده اتفاق افتاده که شایسته است در آینده بیش از بیش بازتاب یابد، فیلم در آغوش درخت کوشیده فضای شاعرانه بیافریند و فیلم این پرونده باز است از آموزه‌های فردوسی و ابوعلی سینا بهره جسته که این امر ستودنی است، اما کافی نیست.گروه کارشناسان دو اثر را به عنوان آثار برگزیده خویش معرفی می‌کند: فیلم برگزیده هفت بهار نارنج را به دلیل احترام به ادبیات و زبان فارسی و پدید آوردن فضایی کاملاً ایرانی و بهره‌گیری از شعر دیروز و امروز و موسیقی ایرانی و استفاده از ظرایف زبانی مردم کوچه و بازار و فیلم برتر غریب را به علت تاکید بر اقتدار ایران و زدودن گستره میهن از آلاش دشمنان اتحاد و بیوستگی ایران و همچنین بهره‌گیری از گویش های محلی ایرانی و بهره‌گیری از شعر فارسی از زبان قهرمان. پایان بندی زیبایی این فیلم با خوانش شعر وحشی بافقی توسط سردار شهید بروجردی، حسن ختامی ستودنی است در این اثر حماسی و ارجمند.

فیلم سینمایی « مجنون» به عنوان تازه‌ترین محصول سازمان اوج با روایتی از زندگی شهیدمهدی زین‌الدین، یکی از شهدای شاخص دوران دفاع‌مقدس کلید می‌خورد.تهیه‌کننده این فیلم، عباس نادران است و کارگردانی آن را هم مهدی شامحمدی به‌عهده دارد که از کارگردانان شناخته‌شده در سینمای مستند است و با این فیلم اولین کارگردانی فیلم بلند سینمایی را در کارنامه خود تجربه می‌کند.

فیلم سینمایی شهیدمهدی زین الدین کلید می‌خورد

نگاهی به فیلم «سینمامتروپل»

کاریکاتوری از مقاومت در آبادان

سینما علیه زامبی‌ها

تعداد زیادی فیلم در سینمای آمریکا و غرب درباره رئیس‌جمهور معروف آمریکا آبراهام لینکلن ساخته شده که دو تا از آنها حتی تخیلی و در ژانر سینمای وحشت است به نام‌های «آبراهام لینکلن علیه زامبی‌ها» (ریچارد شنکمن- ۲۰۱۲) و «آبراهام لینکلن: شکارچی خون‌آشام» (تیمور بک‌ماستوف-۲۰۱۲)!!شکالی ندارد، بالاخره وقتی ده‌ها فیلم درباره یک شخصیت ساخته شود، آن هم در سینمای هالیوود که به جمل تاریخ و افسانه‌سرایي و اسطوره‌سازی شهره است، شاید فیلمی هم درباره سفر جورج واشنگتن به ماورای کهکشان راه‌شیری هم ساخته شود اما در سینمای ایران، آن هم سینمای دفاع مقدس که هنوز بسیاری از نقاط و نکات و ماجراها و درگیری‌ها و روایت شهدا و سردارانش ناقضه مانده، چه جای افسانه‌ساختن و قصه‌سرایی است؟! هرگاه در این سینما ده‌ها فیلم مثلا درباره ایام پرفرازونشیب حصر آبادان ساخته شد، آنگاه می‌توان یکی دو تایش را هم به حضور زامبی‌ها و خون‌آشام‌ها در ارتش دشمن و مقابله مثلا سالن‌های سینمای آبادان با آنها اختصاص داد که فی‌المثل از داخل این سالن‌ها اشعه‌هایی ساطع شده و زامبی‌ها و خون‌آشام‌ها را نابود می‌کند!



سعید مستغنی مستندساز و کارگردان سینما

جنگی که نیست!

اما فیلم «سینما متروپل» ظاهرا درباره آبادان محاصره‌شده‌ای است که هیچ جنگی در آن حس نمی‌شود و دفاعی وجود ندارد، تا گذشت حدود سه چهارم فیلم از حصر و هجوم دشمن به این آبادان تحت محاصره (که بارها افراد مختلف از آن سخن می‌گویند) حتی صحنه‌ای رویت نمی‌شود، حسی از آن به دست نمی‌آید تا صحنه‌ای حدود دقیقه ۹۰ فیلم که چند نفر عراقی به اسارت گرفته شده و به سینمامتروپل آورده می‌شوند تا در کنار مجروحینی که از بیمارستان بیماران شده به آنجا منتقل شده‌اند، فیلم ببینند و دورهمی بگیرند!یعنی تا دقیقه ۹۰ فیلم سینمامتروپل دوسه نفر را به‌عنوان شخصیت‌های اصلی داستان می‌بینیم که می‌خواهند سالن سینمایی را بازسازی و برپا کرده تا به قول خودشان صدای فیلم‌هایی مانند «کارابلانکا» و «پدرخوانده» و «قیصر» و... تا آن سوی اروند برود و عراقی‌ها به جای صدای اذان مسجد یا نبرد و مقاومت رزمندگان با این صداها بفرهمند که آبادان زنده است! یا گروه دخترانی در این آبادان تحت محاصره از تهران آمده‌اند که تصاویر دخترهای شهید را بر دیوارها نقش بزنند! جل الخالق! در آبادان تحت محاصره‌ای که تنها راه ورود و خروج فقط یک خط آبی با قایق تا ماهشهر بود که گاهی به خاطر دور زدن خط دشمن و پنهانکاری باید تا حدود ۱۲ تا ۱۷ ساعت روی قایق‌های کوچک می‌ماندند. حالا در چنین شرایطی یک گروه دختران گرافيست و انیماتور به شهر آمده‌اند تا بر در و دیوارها نقاشی بکشند؟! طرفه آن‌که در میانه محاصره و

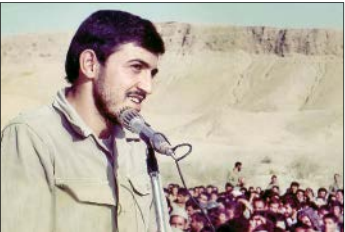
جنگ و دفاع همه‌جانبه، دو شخصیت اصلی فیلم یعنی رضا و سیاوش با اطلاع از حضور دختران گرافيست در شهر، هریک به دنبال آشنایی و رابطه با آنها بوده و به‌اصطلاح روی دست همدیگر بلند می‌شوند! سپس عشق قدیمی خود را از آن میان پیدا کرده و به سینمامتروپل آورده تا با حضور پدرش یعنی نادر آپاراتچی و زنی که بوفه سینما را اداره می‌کرد (که نادر هم نگاه خریدارانه‌ای به او دارد) و همچنین یک نفر دیگر که به دنبال یافتن فیلم‌های اوتی سینماهای تعطیل شده است، خاله‌بازی خود را در آن شرایط جنگی تکمیل کنند. در این میان فرماندار شهر و برخی رزمندگان هم علاف این جماعت شده و مدام گول حرف‌ها و لاطائلات آنها را می‌خورند!

کمدی سخیف

با ی‌ا گرفتن سینما و حضور عده‌ای تماشاجی با واسطت یک مسئول سانسور به نام «صرافت»، فیلم سینمامتروپل به ورطه نوعی کمدی سخیف از نوع نمایش‌های دم‌دستی و کوچی می‌غلطد که تنها سازندگان فیلم باید خود گویند و خود خندند! مقایسه کنید با افتتاح سینما مجستیک در فیلمی به همین نام از فرانک دارابونت که در شهری آرام و مصیبت‌زده پس از جنگ دوم بازسازی شد. شهری که اغلب جوان‌های آن در جنگ کشته شده و مردم شهر دلخوش به یک جوان دچار فراموشی شدند که به یکی از جوان‌های از دست‌رفته شهر شبیه بود.

عباس نادران پیش از این، تهیه فیلم‌هایی همچون «شاه‌کش» و «شادروان» را به‌عهده داشته است و این پروژه اولین همکاری او با سازمان اوج محسوب می‌شود. «مجنون» طی روزهای آینده در آبادان کلید می‌خورد. شهیدمهدی زین‌الدین، فرمانده لشکر ۱۷ علی‌بن ابیطالب در دوران دفاع مقدس و از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران در طول جنگ تحمیلی بود که سال ۶۳ در منطقه سردشت در پی درگیری مستقیم با نیروهای

مسلح دشمن در ۲۵ سالگی به شهادت رسید. پس از فیلم‌های «ایستاده در غبار» با روایتی از زندگی حاج احمد متوسلیمان، «منصور» با روایتی از زندگی شهید منصور ستاری و «غریب» با روایتی از زندگی شهید محمد بروجردی که در جشنواره اخیر فیلم فجر با دریافت بیشترین تعداد جایزه درخشید، حالا مجنون تازه‌ترین محصول سازمان اوج محسوب می‌شود که به یکی از شهدای شاخص انقلاب و دفاع مقدس می‌پردازد./مهر



علی‌رغم قد کوچکش، وظیفه او را برعهده گرفت و آپارات سینما و خودان را دوباره راه‌انداخت اما در مورد رضا و سیاوش و عشق دوران کودکی و نوجوانی‌شان حتی یک صحنه نمی‌بینیم که آنها در سینما از دیدن فیلمی لذت برده یا اصلا به تماشای فیلمی نشست‌ه باشند. تنها صحنه‌ای که از عشق سینمای آنها می‌بینیم داخل شدن شان به سالن از درهای پشتی و خوردن نوشابه‌های نصفه ونیمه دیگران و فروختن شیشه‌های خالی به بوفه سینماست!

کاریکاتوری از اوج مقاومت آبادان

درواقع نگاه فیلم سینمامتروپل، هم به سینما، هم به جنگ و دفاع مقدس و هم به حصر آبادان، نگاهی کاریکاتوری و خام و سردستی است که آدم‌ها در آن همه کاری می‌کنند جز جنگیدن، دفاع و مقاومت به علاوه رزمندگانی که متأسفانه آنها هم کاریکاتوری تصویر شده‌اند و در اوج مقاومت آبادان و درحالی‌که گفته می‌شود ارتش صدام مدام شهر را با توپ، خمپاره، بمب و موشک کوبیده و دیگر جای سالم باقی نگذاشته اما این رزمندگان کاریکاتوری به دنبال یک گروه سرخوش افتاده‌اند که مدعی است فیلم کارابلانکا را در همه مقرهای رزمندگان نمایش داده‌اند! جل الخالق! فیلمی که به دلیل موضوعش هیچ‌گاه مجوز نمایش از صداوسیما کنونی را هم پیدانمی‌کند، چگونه در آن شرایط جنگی برای رزمندگان نمایش داده‌شدا!

گرای بی‌تحریر تاریخ

در آخر هم راه‌حل یافتن محل شلیک و گرای توپ‌های ارتش صدام که به عقل هیچ‌یک از فرماندهان و رزمندگان ایرانی نرسیده، تنها به ذهن سیاوش خطور می‌کند که با طعمه کردن سینمامتروپل، مکان توپ‌های جنگی را یافته و مردم شهر را نجات دهند!

مشکل وقایع ماجرا و واقعی بودن آنها هم از دیگر سوآلات مطرح از سازندگان فیلم سینمامتروپل است که در آن شرایط حصر و درگیری‌ها و نبرد دائم و تکاپوی مستمر رزمندگان، کدام سینما در این شهر دایر بوده؟ چنانچه در هیچ تاریخ‌کنشی و شفاهی از جمله در تجربه نگارنده که در همان دوران در آن منطقه حضور داشتم، چنین ادعایی رویت و ثبت نشده است. سینماهای آبادان از زمان شروع جنگ در این شهر تعطیل شد و برعکس مثلا مسجد سلیمان که دو سه سالن سینمایش در همان سال‌ها کار می‌کرد اما در آبادان (برخلاف آنچه در نوشته‌های پایان فیلم بر پرده نقش می‌بندد) تا مدتی پس از پایان جنگ نیز این سالن‌های سینما تعطیل ماندند!



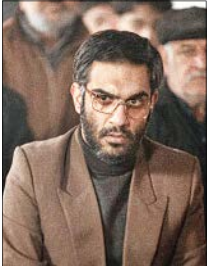
«روزهای بی خبری» در آفریقای جنوبی

مستند «روزهای بی خبری» با راه یافتن به جشنواره ریپدیلون ژوهانسبورگ، برای اولین بار در آفریقا آکران می‌شود. این فیلم هفتم مارس ۲۰۲۳ برابر با ۱۶ اسفند همراه جلسه پرسش و پاسخ به نمایش درمی‌آید. «روزهای بی خبری» روانیگر سرگذشت علی محمد، پیرمرد ۸۴ ساله و آخرین بازمانده از نمدمالان روستایی از توابع شهرستان نیشابور است، این مستند پیش از این منتخب جشنواره‌های ملی و جهانی از جمله بیست و یکمین جشنواره جهانی روستایی آئوپریاکره جنوبی، نوزدهمین جشنواره جهانی فیلم ایسکیا ایتالیا، سی و هفتمین جشنواره فیلم کوتاه تهران، ششمین جشنواره فیلم و عکس فناوری و صنعتی فردا، پنجاه و یکمین جشنواره بین المللی فیلم رشد و ... شده است. عوامل مستند روزهای بی خبری عبارتند از نویسنده و کارگردان: ابوالفضل تاجیک، مشاور کارگردان: پیام‌زین العابدینی، تدوین: مجید شتی، تصویربردار و صدابردار: جعفر عمالرو، صداگذاری و ترکیب صدا: آرش قاسمی، صداگذاری: محمد قاسمی، تهیه‌کننده: مهدی مطهر/چام چم

روایتی از جنایات منافقین در «کبریت»

فیلم کوتاه «کبریت» به تهیه‌کنندگی محمد گودرزی و به نویسندگی و کارگردانی حسین جمشیدی آماده حضور در جشنواره فیلم ۱۰۰ شد. کبریت- که از تولیدات جدید گروه هنری کات است- به روایتی واقعی از قربانی شدن کودکان به دست منافقین در دهه ۶۰ می‌پردازد. حسین جمشیدی از هنرجویان دوره اول کاتینو است

که پیش از این با فیلم کوتاه «مارمالادی» هم به مضمون جنایات منافقین پرداخته بود. کاوه فرجادمنش، عباس خداوردیان، علی آذری، یارسا آموگارو و یوسف وروشنل از بازیگران این فیلم کوتاه هستند. برخی عوامل این فیلم کوتاه عبارتند از: مشاور کارگردان: محمد علیرزاده فرد، مدیر فیلمبرداری: مهدی محسنی، طراح صحنه و لباس: رامین پد خشان فرد، چهره‌پرداز: امیر بنده‌لو، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز: امیرحسین میرزایی، صدابردار: وحید کیایی‌ها، مدیر تولید: کیانوش عاشورزاده، جلوه‌های ویژه کامپیوتری: محمد کشاورز، جلوه‌های ویژه میدانی: مجید حیدری، تدوین: کمیل ارجمندی، اصلاح رنگ و نور: علی نوروزی، طراحی و ترکیب صدا: سعید بابایی، عکاس: علی پورستوده، فیلمبردار پشت صحنه: محمدحسین رضائی، منشی صحنه: مریم محمدی، دستیار دوم کارگردان: سجاد اشراقی، روابط عمومی: مینا دهقان./فراس



برخورد سریع و قاطع در برابر تخلف

اگرچه به نظر می‌رسد جای سیلی ویل اسمیت روی صورت کریس راک در مراسم اسکار سال گذشته کم‌کم خوب و خود او این ماجرای تلخ را به فراموشی سپرده و حتی خود زنده سیلی یعنی ویل اسمیت هم با وجود ممنوعیت ده ساله از ورود به مراسم اسکار با این اشتباه کنار آمده و حتی با سفر به هند، تمرین سیوری و آرامش کرده و تلاش دارد انسان بهتری باشد، اما رئیس اسکار در ضیافت نامهار نامزدهای اسکار۲۰۲۳ دوباره باعث یادآوری آن لحظه تاریخی و شرم‌آور اسکار شد. جانث پانگ گفت: آنچه روی صحنه رخ داد کاملاً غیرقابل قبول بود و پاسخی که ما به آن دادیم هم کافی نبود. ما از این ماجرا یاد گرفتیم آکادمی باید در موارد خاص کاملاً شفاف و پاسخگو عمل کند، به‌ویژه در موارد بحرانی باید برای حمایت از منعت سینما سریع، دلسوزانه و قاطع وارد عمل شد. شما نباید در آینده انتقاری کمتر از این‌ا ز ما داشته باشید.

